



حقوق بشر در چین

فنگ لی جه



حقوق بشر در چین

فنگ لی جه



توایا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

حقوق بشر در چین

Human Rights in China

نویسنده: فنګ لی جه (Fang Lizhi)

مترجم: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نقاشی روی جلد: Portrait of a Man, painting by Joan Miro

© E-Collaborative for Civic Education 2019

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

مقدمه

در سال ۱۹۸۹ جایزه حقوق بشر رابرت اف. کندی^۱ به فنگ لی‌جه^۲ اهدا شد. فنگ لی‌جه مشوق و الهام‌بخش دانشجویان در خلال خیزش دموکراتیک چین در بهار و تابستان ۱۹۸۹ بود ولی هرگز به تظاهرات کنندگان نیبوست. او به خوبی آگاه بود که در صورتی که در میدان تیان‌آنمن ظاهر شود دولت او را متهم خواهد کرد که طراح اعتراضات بوده است و اصالت اعتراضات دانشجویی را نفی خواهد کرد. هنگامی که حکومت در ۴ ژوئن ۱۹۸۹ جنبش دموکراتیک را سرکوب کرد فنگ لی‌جه همراه با

۱- The Robert F. Kennedy Human Rights Award یا جایزه حقوق بشر رابرت اف. کندی را مرکز عدالت و حقوق بشر رابرت فرانسیس کندی (۱۹۲۵ - ۱۹۶۸)، برادر پرزیدنت جان اف. کندی و سیاستمدار آمریکایی (سناتور و دادستان کل کشور)، در سال ۱۹۸۴ بنیان نهاد. این جایزه به افرادی اهدا می‌شود که با نشان دادن شهامت و شجاعت در اشاعه حقوق بشر در کشور خود نقش قابل توجهی ایفا کرده باشند.

۲- Fang Lizhi (۱۹۳۶ - ۲۰۱۲) متخصص فیزیک نجومی و از مخالفان حزب کمونیست چین بود که به دنبال حوادث میدان تیان‌آنمن (در ماه آوریل ۱۹۸۹) همراه با همسرش به سفارت آمریکا در چین پناهنده شد و پس از حدود یک سال اقامت در آن سفارت، در ژوئن ۱۹۹۰ موفق به ترک کشور شد. او پس از آن تا زمان مرگش در آوریل سال ۲۰۱۲ در ایالت آریزونا، که علت آن هرگز فاش نشد، در انگلستان و ایالات متحده آمریکا به کار تدریس و تحقیق پرداخت. فنگ لی‌جه به شخصیتی ممتاز و پیشتاز در میان مخالفان حکومت چین و حتی به عنوان «ساخاروف چین» شناخته می‌شد.

همسرش به سفارت آمریکا در پکن پناه برد. در زمستان همان سال مطلع شد به پاس تلاش‌هایی که برای استیفای حقوق بشر در چین انجام داده است جایزه رابرت اف. کندی به او اهدا شده است. او که امکان ترک چین را برای دریافت جایزه نداشت پیامی در قبول آن نوشت که عین آن را در ادامه می‌خوانید.

یک سال بعد فنگ لی جه و همسرش اجازه یافتند چین را ترک کنند. آن‌ها به ایالات متحده آمریکا پناهنده شدند و هر دو در آن‌جا به حرفه خود به عنوان فیزیکی‌دان ادامه دادند.

حقوق بشر در چین

از این که امروز فرصت صحبت با شما را دارم بسیار مفتخرم و عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفته‌ام. در عین حال یک نوع احساس تألم و شرمساری هم مرا فرا گرفته است. تحت تاثیر قرار گرفته‌ام به این علت که مرا برای جایزه امسال حقوق بشر رابرت اف. کندی برگزیده‌اید. انتخاب شما گواه آن است که من تنها نبودم و اکنون هم تنها نیستم. تألم‌ام از این است که در سرزمینی که در آن زاده شده‌ام حیثیت انسانی بار دیگر پایمال شده است. من به دلیل این که از حقوق اساسی خود محروم شده‌ام کاملاً و بیش از هر زمان دیگر به این حقیقت آگاهم که برای پیشبرد احترام به بشریت هنوز راهی طولانی و کارهایی بسیار در پیش داریم.

ارزش‌هایی که بنیاد حیثیت انسانی بر آن‌ها نهاده شده برای همه مردم یکسان است. این ارزش‌ها مشتمل بر معیارهای جهانی حقوق بشری است که فارغ از هر گونه تمایزی - اعم از جنسی، زبانی، مذهبی و سایر باورها - است. این معیارهای جهانی، که اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد تبلور آن‌هاست، کمابیش در همه دنیا به شکل فزاینده‌ای شناخته شده است و محترم شمرده می‌شود. در ماه نوامبر سال گذشته هنگامی که در شهر پکن مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر برگزار شد بسیاری از ما به وجد آمدیم؛ چون در آن زمان این رویداد را چنین تلقی کردیم که بالاخره در این سرزمین کهن اصول حقوق بشر ریشه دوانده و پای خواهد گرفت. با این حال این اولین بار نیست که این رویاهای شیرین در رویارویی با واقعیت تلخ در هم می‌شکند. با نظر به تراژدی خونین تابستان گذشته ناگزیر باید اعتراف کنیم که

بیش از حد خوش‌بین بودیم. برخی از کسانی که مسئول این سرکوب بودند اخیراً در دفاع از رفتار خود گفته‌اند که «چین در امر حقوق بشر معیارهای خودش را دارد». آن‌ها با امتناع از پذیرفتن ماهیت جهانی حقوق بشر محکومیت جهانیان را نسبت به رفتار خود قاطعانه مردود شمرده‌اند. به نظر می‌رسد مقامات چینی بر این باورند که اگر بر موضوعی برچسب «مسئله داخلی» بزنند، که باید در خود کشور میان مردم و حکومت حل و فصل شود، نادیده گرفتن قوانینی که بر حیثیت و کرامت انسانی حاکم است جایز خواهد بود و می‌توانند به هر اقدامی که اراده کنند مبادرت کنند. اما این نگرش بدترین نوع منطق فئودالیستی است. در خلال دوران طولانی انزوای چین از بقیه دنیا، تفکری که مدعی بود چین «ارباب همه عالم» است شاید راهکاری موثر برای تحت فرمان درآوردن کشور بود، اما در نیمه دوم قرن بیستم میلادی خاصیت بیاناتی درباره «مسائل داخلی» فقط این است که ماهیت ذاتی کسانی را آشکار می‌کند که چنین مطالبی را عنوان می‌کنند و نشان می‌دهد این‌ها همان دیکتاتورهای فئودال‌اند. این‌گونه بیانات دیگر نه کسی را می‌ترساند و نه گول می‌زند.

امروز شمار فزاینده‌ای از چینی‌ها بر این باورند که برای آن‌ها که چین به پای دنیای مدرن برسد لازم است ما با جذب جنبه‌هایی از تمدن مدرن‌تر - که مترقی است و جهانی بودن آن ثابت شده است - به‌خصوص در دو حوزه علوم و دموکراسی، تحولی در جامعه خود ایجاد کنیم. از جنبش برای علوم و دموکراسی در سال ۱۹۱۹ تا موج فزاینده مطالبات برای آزادی اندیشه در سال ۱۹۵۷ و از راهپیمایی‌های اعتراضی ۱۹۲۶ که با شمشیر و تفنگ به آن‌ها پاسخ داده شد تا تظاهرات ۱۹۸۹ که در آن با تانک به مقابله با تظاهرات کنندگان برخاستند، میل وافر مردم این کشور به داشتن یک جامعه عادلانه، عقلانی و مرفه کاملاً مشهود است. با وجود این‌که چین مشکلات عمیقی دارد که موجب واپس ماندگی آن نسبت به کشورهای پیشرفته شده است تاریخ ما به وضوح نشان داده است مردم چین خواهان همان نوع ترقی و توسعه‌ای هستند که مردم سایر کشورها فارغ از نژاد یا ملیت به دنبال آنند. امیال و آرزوهای مشترک مردم چین با امیال و آرزوهای مردم سایر کشورها یکسان است. مردم چین همانند آحاد نسل بشر از پوست و استخوان‌اند، صاحب قدرت تفکر و تشخیص‌اند و از روح و احساسات برخوردارند. به همین سبب آن‌ها می‌توانند و می‌بایست همانند دیگران از همان حقوق، حیثیت و آزادی‌های سلب‌ناشدنی برخوردار شوند.

اجازه بدهید به یک مقایسه تاریخی اشاره کنم. تبلیغات اخیر با این مضمون که «چین در امر حقوق بشر معیارهای خودش را دارد» شباهت اسرارآمیزی با اظهارات حاکمان

چین در قرن هجدهم میلادی دارد که مضمون آن چنین بود: «چین ستاره‌شناسی خودش را دارد.» ۲۰۰ سال پیش نجبای زمین‌دار مخالف ستاره‌شناسی با پایه علمی بودند. آن‌ها از پذیرفتن این که علم نجوم مدرن کاربرد جهانی دارد یا حتی ممکن است در تدوین تقویم چینی بتواند نقشی ایفا کند سرباز می‌زدند. چرا؟ به این دلیل که قوانین علم ستاره‌شناسی، که در همه جا ساری و جاری است، به وضوح روشن کرد که «حق الهی حکومت کردن»، که این افراد مدعی آن بودند، تخیلی بیش نیست. به همین سیاق اصول حقوق بشر، که آن هم همه‌جایی و جهانی است، به صراحت روشن می‌کند «حق حکومت کردن»، که امروز برخی مدعی آن هستند، به همان اندازه بی‌پایه است. به همین دلیل است که حاکمان در هر عصری، با استفاده از امتیازات ویژه‌ای که از آن برخوردار بوده‌اند، با اصل برابری - که از اصول تفکیک‌ناپذیر این اندیشه‌های جهانی است - مخالفت کرده‌اند.

پیشرفت تمدن به مقیاس وسیعی مدیون کشف و اشاعه مفاهیم و قوانینی بوده است که کاربرد جهانی داشته‌اند. کسانی که جهانی‌بودن علوم را مردود می‌شمردند در واقع نشان دادند از تمدن مدرن هراس داشته‌اند. از دید نجبای فئودال دو‌یست سال پیش علم نوین ستاره‌شناسی همان فرهنگ مدرن بود و به همین سبب کسانی را که به مطالعه علم نجوم و شناخت ستارگان می‌پرداختند، بی‌رحمانه آزار می‌دادند. عملاً در یک مورد در اوایل امپراتوری چینگ^۳ پنج تن از ستاره‌شناسان رصدخانه پکن به قتل رسیدند. این بی‌رحمی بیش از آن که قدرت عاملان قتل را نشان دهد نمایانگر ترس آن‌ها بود. دیکتاتورهای عصر مدرن هم، که به همان اندازه از تبعات حقوق بشر جهانی بیم دارند، مرتکب قتل می‌شوند. این اقدام را نباید به منزله نمادی از قدرت آن‌ها تعبیر کرد؛ همان‌طور که اقدام مشابه اسلاف‌شان نمایانگر قدرت آن‌ها نبود.

برخی بر این باورند که وحشتی که از تابستان امسال شهر پکن را فرا گرفته است موجب برانگیختن حس بدبینی در انسان می‌شود. باید اعتراف کنم خود من هم دستخوش چنین احساسی شده‌ام. اما در عین حال مایلم اندکی دلگرمی به آن‌ها بدهم. به خاطر داشته باشید که در جو ترور حاکم کنونی، آن‌هایی که بیش از همه وحشت زده‌اند شاید همان کسانی باشند که دستشان به خون هموطنان‌شان آغشته است. امروز ما را وادار کرده‌اند که با ترس زندگی کنیم، اما ما از فردا ترسی نداریم. آن‌ها که دستشان به خون آغشته است نه فقط امروز را در ترس سپری می‌کنند، از فردایشان بیش از امروز

۳- Qing dynasty یا سلسله چینگ آخرین خاندان امپراتوری در چین بود که از ۱۶۳۶ تا ۱۹۱۲ بر این کشور حکومت کرد و سپس جای خود را به جمهوری چین داد.

بیمناکند. بنابراین ما دلیلی برای از دست دادن باورهایمان نداریم. می توان با توسل به خشونت موجب شد که جهالت در کوتاه مدت غالب شود، اما جهالت در نهایت نمی تواند در مقابل پیشروی قوانین جهانی مقاومت کند. چنین فرآیندی محتمل است، به همان اندازه که گردش زمین. البته که گردش زمین مستلزم زمان است و شاید برای چین همه چیز بیش تر زمان بر باشد.

با این ملاحظات مایلم چند نکته را به جوانان چینی که در جمع مخاطبان هستند بگویم. می دانم که خیلی از شما زندگی خود را وقف از نوساختن کشورمان کرده اید. از آن جا که تولدی دوباره راهی طولانی خواهد بود من با تمام وجود امیدوارم شما از تحصیلات خود باز نایستید، بلکه حتی بیش از گذشته در کسب علم کوشا باشید تا عمق دانسته های خود را ژرف تر و دامنه آن را گسترده تر کنید. ما همگی هوادار عدم خشونت هستیم. عدم خشونت تا چه اندازه می تواند در مقابل خشونت اسلحه در دنیا قدرت نمایی و مقاومت کند؟ استراتژی های عدم خشونت متعدّدند اما اساسی ترین آن ها قدرتی است که سرچشمه آن آگاهی و معرفت است. بدون معرفت، عدم خشونت رو به زوال می گذارد و به درخواست ملتسمانه تقلیل می یابد؛ و تاریخ را ضعیفان نمی نویسند. فقط زمانی می توانیم مسیر تاریخ را تغییر دهیم که پایمان را محکم بر شانه های قوی غول عظیم الجثه معرفت بگذاریم و به آن تکیه کنیم. فقط با دانش است که می توانیم از ریشه بر خشونت و جهل غلبه کنیم. فقط با دانش و شناخت است که می توانیم در خود حس شفقت لازم را بیروانیم تا با کمک آن، کسانی را که ایمانی موهوم به توانایی مطلق خشونت دارند از بلاهتی که گریبانگیرشان شده است رهایی دهیم. همان طور که هنریک ایبسن^۴ گفت: «اگر مایلی برای جامعه، انسان ارزشمندی باشی بهترین راه این است که از خود انسانی بسازی که برای جامعه موثر و مفید واقع شود.» امید من آن است که همه ما تلاش کنیم از خود چنین انسان هایی بسازیم.

بسیاری از دوستان به شدت از موقعیت فعلی من اظهار نگرانی کرده اند. همسرم و من مایلیم از این موقعیت استفاده کنیم و صمیمانه از این بابت از آن ها که می شناسیم و آنان که هنوز ملاقات نکرده ایم سپاسگزاری کنیم. به دلیل ویژگی شرایط کنونی زندگی مان نمی توانم از جزئیات زندگی روزمره مان برایتان بگویم، اما شاید بتوانم خبری به شما بدهم که ممکن است موجب دلگرمی تان شود؛ من تلاش می کنم به بهترین وجه ممکن بیش ترین بهره را از دو حقی که هنوز برایم باقی مانده است ببرم؛ یعنی حق اندیشیدن و

۴ - Henrik Johan Ibsen (۱۸۲۸ - ۱۹۰۶) نمایشنامه نویس، کارگردان تئاتر و شاعر شهیر نروژی که بعد از ویلیام شکسپیر مهم ترین نمایشنامه نویس اروپا محسوب می شود.

حق پرسیدن. این روزها به کار تحقیقاتی‌ام در فیزیک نجومی ادامه می‌دهم؛ از ماه ژوئن تا کنون دو مقاله تحقیقی نوشته‌ام و هم‌اکنون در حال نوشتن مقاله سوم هستم. در عرصه علم کیهان‌شناسی مدرن، اصل اول «اصل کیهان‌شناسی» خوانده می‌شود. به موجب این اصل مرکزیتی در عالم هستی وجود ندارد و همه ذرات این عالم از خواص مشابه و یکسان برخوردارند. هر ذره‌ای، در این مفهوم، از حقوقی برخوردار است که کاملاً با حقوق سایر ذرات یکسان است. چطور ممکن است نژاد بشر، که در چنین عالمی با چنین برابری بنیادینی تکوین یافته است، برای رسیدن به جامعه‌ای فارغ از خشونت و ترس تلاش نکند؟ چطور ممکن است ما قادر نباشیم دنیایی بسازیم که در آن حقوق سلب‌ناپذیر آحاد افراد، که از بدو تولد حق مسلم آنهاست، محترم شمرده شود؟

آرزو می‌کنم همگی از نعمت‌های عالم هستی بهره‌مند شویم!

